

رحلت جانگداز نبی اکرم صلی الله علیه و آله

... در یکی از روزهای بیماری در حالی که سرش را با پارچه‌ای بسته بود و علی علیه السلام و فضل بن عباس زیر بغلش را گرفته بودند و پاهایش بر زمین کشیده می‌شد،



آخرین وداع با یاران

... در یکی از روزهای بیماری در حالی که سرش را با پارچه‌ای بسته بود و علی علیه السلام و فضل بن عباس زیر بغلش را گرفته بودند و پاهایش بر زمین کشیده می‌شد، وارد مسجد شد و روی منبر قرار گرفت و شروع به سخن فرمود و گفت: مردم وقت آن رسیده است که من از میان شما غائب گردم، اگر به کسی وعده داده‌ام، آماده‌ام؛ ام انجام دهم و هر کس طلبی از من دارد، بگوید تا بپردازم.

در این موقع مردی برخاست و عرض کرد: چندی قبل به من وعده دادید که اگر ازدواج کنم، مبلغی به من کمک کنید، پیامبر فوراً به فضل دستور داد که مبلغ مورد نظر او را بپردازد و از منبر پایین آمد و به خانه رفت. سپس روز جمعه، سه روز پیش از وفات خود، بار دیگر به مسجد آمد و شروع به سخن نمود و در طی سخنان خود فرمود: هر کسی حقی بر گردن من دارد برخیزد و اظهار کند، زیرا قصاص در این جهان، آسان‌تر از قصاص در روز رستاخیز است. (1) در این موقع سواده بن قیس برخاست و گفت: موقع بازگشت از نبرد "طائف" در حالی که بر شتری سوار بودید، تازیانه خود را بلند کردید که بر مرکب خود بزنید، اتفاقاً تازیانه بر شکم من اصابت کرد، من اکنون آماده گرفتن قصاصم. درخواست پیامبر یک تعارف اخلاقی نبود؛ بلکه جداً مایل بود حتی یک چنین حقوقی را که هرگز مورد توجه مردم قرار نمی‌گرفت جبران نماید. گذشته از این، چون اصابت تازیانه بر شکم سواده عمدی نبود، از این نظر او حق قصاص نداشته است، بلکه با پرداخت دیه‌ای جبران می‌گردد. مع الوصف پیامبر، خواست، نظری را تأمین کند. پیامبر دستور داد، بروند همان تازیانه را از خانه بیاورند، سپس پیراهن خود را بالا زد تا سواده قصاص کند. یاران رسول خدا با دلی پر غم و دیدگانی اشکبار و گردن‌های کشیده و ناله‌های جانگداز، منتظرند که جریان به کجا خاتمه می‌پذیرد؛ آیا سواده واقعا از در قصاص وارد می‌شود؟

ناگهان دیدند سواده بی اختیار، شکم و سینه پیامبر را می‌بوسد؛ در این لحظه پیامبر او را دعا کرده، گفت: خدایا! از سواده بگذر، همانطور که او از پیامبر اسلام در گذشت. (2) - فروغ ابدیت جلد 2، صفحات 864-865 (با اندکی تغییر) پیامدهای رحلت از لسان مبارک حضرت زهرا (س)

در این مقال بنا بر آن است که پیامدهای رحلت پیامبر اکرم (ص) از نگاه تنها یادگارش، حضرت فاطمه سلام الله علیها بیان شود. او که بضعة الرسول است (9) و به تعبیر امام علی (ع) بقية النبوة (10) است و به اعتراف دیگران، خيرة النساء و ابنة خیر الانبياء، صادقة فی قولك، سابقة فی وفور عقلك است. (11) او که خلیفه اول در جمع مردم مدینه درباره‌اش چنین گفته است: انت معدن الحكمة و موطن الهدی و الرحمة و ركن الدين و عين الحجة است. (12)

و حتی عایشه نیز گفته است: ما رايت احدا كان اصدق لهجة من فاطمة الا ان يكون الذي ولدها. (13) او که هم مردمان مکه و مدینه را دیده و هم شاهد حیات پیامبر اکرم (ص) بوده و هم در کنار پیامبر و حضرت امیر(ع) حوادث ریز و درشت عصر نبوت و روزهای بعد از رحلت و حوادث تلخ و دردناک آن ایام کوتاه را به دقت زیر نظر داشته است. آری او می‌تواند پیامدهای تاسف بار رحلت پیامبر را خوب بیان کند. در اینجا به مواردی از آنها می‌پردازیم: آن حضرت در خطبه فدکیه (14) و خطبه‌ای که بعداً در جمع زنان مدینه که به عیادت ایشان آمده بودند (15) ایراد فرموده‌اند، پیامدهای رحلت پیامبر را بیان می‌کنند از جمله آنها عبارتند از:

1. ایجاد ضعف و سستی در میان مردم. استومع وهنه (یا وهیه. 16)؛ حضرت در خطبه‌ای که در حضور زنان مدینه که به عیادت ایشان آمده بودند نیز این امر را تذکر دادند و با تاسف فرمودند: فقیحا لفلول الحد واللعب بعد الجد و قرع الصفاة (17)؛ چه زشت است سستی و بازیچه بودن مردانتان پس از آن همه تلاش و کوشش. 2. تفرقه و اختلاف به وجود آمد. استنهر فتقه وانفتق رتقه (18)؛ تشنت و پراکندگی گسترش یافت. و وحدت و همدلی از هم گسست. استنهر از نهر به معنای وسعت و زیادی است، فتق به معنای جدایی و پاره پاره شدن است. انفتق از انفتاق یعنی

شکافتن و رتق هم به معنای همبستگی و اتحاد است. در قرآن کریم نیز آمده است که: $\text{ان السموات والارض كانتا رتقا ففتقناهما (19)}$ ؛ (آیا کافران ندیدند) که آسمان ها و زمین به هم پیوسته بودند و ما آنها را از یکدیگر باز کردیم ؛raquo\& .

3. امید و آرزوهای مسلمانان به ناامیدی تبدیل شد.

آنان که به پیامبر اکرم (ص) و احکام عالیہ اسلام ناب حضرتش دلخوش کرده بودند از نعمت دین الهی و حکومت اسلامی بهره ؛rlm\& مند گشته بودند. اکنون با دیدن حوادث بعد از آن حضرت مایوس شده و امیدشان به یاس مبدل گشت . ؛laquo\& واکدت الامال(20) ؛rlm\& ؛

4 . به حریم پیامبر بی ؛rlm\& حرمتی شد . ؛laquo\& اضیع الحریم و ازیلت الحرمة عند مماته (21)؛ هنوز جسد مبارک پیامبر بر زمین است. در اجتماع سقیفه (22) بدون نظرخواهی از خاندان پیامبر به تعیین جانشین برای آن حضرت می ؛rlm\& پردازند. و حق اهل بیت ؛rlm\& حضرتش را ضایع می ؛rlm\& کنند.

چنانکه حضرت علی(ع) می ؛rlm\& فرماید: " فوالله ما كان یلقى فی روعی، ولا یخطر ببالی ان العرب تزعج هذا الامر من بعده (ص) عن اهل بینه ولا انهم منحوه عنی من بعده" (23) ؛ به خدا سوگند نه در فکر می ؛rlm\& گذشت و نه در خاطر می ؛rlm\& آمد که عرب خلافت را پس از رسول خدا از اهل بیت او بگرداند. یا مرا پس از وی از عهده دار شدن حکومت ؛rlm\& باز دارند. ؛raquo\&

و حتی در لحظات واپسین عمر حضرت و هنگام رحلت ایشان، هنگامی که قلم و لوحی طلب فرمودند به آن حضرت بی ؛rlm\& حرمتی کردند و ندای " فانه یهجر" سر دادند. (24)

و مدتی هم از رحلت ؛rlm\& حضرت نگذشت که به در خانه تنها یادگارش آمدند و چه بی ؛rlm\& حرمتی ها که نکردند. چنانکه حضرت زهرا فرمود: یا ابتاه یا رسول الله هکذا کان یفعل بحبیبتک وابتنتک ... (25) یا ابتاه یا رسول الله ماذا لقینا بعدک من ابن الخطاب و ابن ابی قحافة (26) ؛ بابا ای رسول خدا پس از تو از دست زاده خطاب و زاده ابی قحافه چه بر سر ما آمد. (27)

5 . خط نفاق و دورویی آشکار شد . ؛laquo\& ظهر فیکم حسکه النفاق. (28) ؛rlm\& ؛

حضرت در جای دیگری از همین خطبه، با کنایه زیبایی به این نفاق افکنی پرداخته است و فرموده است: ؛laquo\& تشربون حسوا فی ارتغاء و تمشون لاهله و ولده فی الخمر والضراء و نصیر منکم علی مثل حز المدی، و وخز السنان فی الحیشاء (29) ؛ شیر را اندک اندک با آب ممزوج نمودید و به بهانه این که آب می ؛rlm\& نوشید، شیر را خوردید. کنایه از نفاق است که تظاهر به عملی می ؛rlm\& شود که در واقع خلاف آن است (30) و برای نابودی اهل بیت او در پشت تپه ؛rlm\& ها و درختان کمین کردید . و ما بر این رفتار شما که مانند بریدن کارد و فرو بردن نیزه در شکم، دردآور و کشنده است صبر می ؛rlm\& کنیم. ؛raquo\&

6 . دین و معنویت کم رنگ شد . ؛laquo\& و سمل جلیاب الدین. (31) ؛rlm\& ؛

؛laquo\& جلیاب ؛rlm\& ؛ چادر یا عباپی که بدن انسان را می ؛rlm\& پوشاند، حضرت زهرا (س) تعبیر به جلیاب دین فرموده . چون دین نیز تمام زوایای زندگی فردی و اجتماعی انسان را در بر می ؛rlm\& گیرد، همانگونه که چادر و عبا تمام بدن انسان را در بر می ؛rlm\& گیرد. (32)

و در عبارتی دیگر فرموده ؛rlm\& اند: ؛laquo\& ... اطفاء انوار الدین الجلی و اهمال سنن النبی الصفی (33) ؛ به خاموش کردن انوار درخشان دین و بی ؛rlm\& اهمیت کردن و مهمل گذاردن سنت ؛rlm\& های پیامبر برگزیده خدا همت گماردید. ؛raquo\&

7 . مردم دچار بی ؛rlm\& تفاوتی شدند . حضرت خطاب به انصار که با جان و مال پیامبر را کمک کرده بودند چنین فرمودند:

؛laquo\& یا معاشر الفتية و اعضاء الملة، و حضنة الاسلام ما هذه الغمیزة فی حقی و السنة عن ظلامتی (34) ؛ ای گروه جوانمرد، ای بازوان ملت و یاوران اسلام، این غفلت و سستی و ضعف شما در حق من و تغافل و بی ؛rlm\& تفاوتی و خواب آلودگی در مورد دادخواهی من، چیست ؛raquo\& ؟

8 . مردم پیمان شکنی کردند . فرمودند: ؛laquo\& فانی حرتم بعد البیان و اسررتهم بعد الاعلان و نکصتم بعد الاقدام (35) ؛ پس چرا بعد از بیان حق حیران و سرگردانید، و بعد از آشکار کردن عقیده پنهان کاری می ؛rlm\& کنید و بعد از آن پیشگامی و روی آوردن به عقب برگشته پشت نموده ؛rlm\& اید. ؛raquo\&

حضرت زهرا سلام الله علیها، در این فراز به حادثه غدیر اشاره می ؛rlm\& کند که پیامبر اکرم (ص) آن را برای مردم بیان فرمود و به آنها اعلام کرد و آنان نیز با علی (ع) بیعت کردند . اما اکنون بیعت ؛rlm\& خود را شکستند .

9 . مردم دچار وسوسه ؛rlm\& های شیطانی شدند . ؛laquo\& تستجیون لهتاف الشیطان الغوی (36) ؛ به شیطان گمراه کننده پاسخ مثبت دادید. ؛raquo\&

و در جای دیگر از خطبه فرموده&rlm&اند:؛ اطلع الشيطان راسه من مغزره هاتفا بكم فالفاكم لدعوته مستجيبين (37) ؛ شيطان سر خود را از مخفی گاه به در آورد. شما را فراخواند، دید که پاسخگوی دعوت باطل او هستید...»

«&مغزرا؛ یعنی مخفی گاه . در اینجا شیطان به سنگ پشت و خارپشت تشبیه شده است. چون آن هم وقتی دشمن را می&rlm&بیند، سرش را در لاک خود فرو می&rlm&برد. اما وقتی که محیط را بدون خطر احساس کرد، سر خود را بیرون می&rlm&آورد. شیطان نیز تا وقتی که پیامبراکرم (ص) زنده بودند، سرش را در لاک خود فرو برده بود و جرات نمی&rlm&کرد خود را نشان دهد . ولی بعد از آن سرش را بیرون آورد و به تحریک مردم پرداخت. (38)

10. شتاب در شنیدن حرف های بیهوده و بی&rlm&اساس .
«&معاشرالناس المسرعة الى قيل الباطل المغضية على الفعل القبيح الخاسر (39) ؛ ای گروه مردم که به سوی شنیدن حرف های بیهوده شتاب می&rlm&کنید، و کردار زشت زیانبار را نادیده می&rlm&گیرید.»

11. نطفه مظاهر فساد روئیدن گرفت .
در پایان خطبه عیادت خطاب به زنان مهاجر و انصار فرمود:
«&اما لعمرى لقد لقحت فنظرة ريثما تنتج ثم احتلبوا مل&rlm&ء القعب دما عبيطا و ذعافا مييدا(40) ؛ به جان خودم سوگند نطفه فساد بسته شد، باید انتظار کشید تا کی مرض فساد پیکر جامعه اسلامی را از پای درآورد که پس از این از پستان شتر به جای شیر خون بدوشید و زهری که به سرعت هلاک کننده است .

12. فرصت طلبان به سر کار آمدند .
حضرت سلام الله علیها در فرازهایی از خطبه فدکیه به گروه های فرصت طلب که منتظر بودند تا بعد از رحلت پیامبر از موقعیت&rlm& بهره برند پرداخته است . و ویژگی&rlm&های آنها را نیز بیان فرموده است .

پاورقی

&zwj&

1- القصاص فی دار الدنيا احب الى من القصاص فی دار الآخرة.

2- مناقب آل ابیطالب ج1، ص164 .

منبع: aviny.com